



Research Article

## The United States' Strategy of Securitising China's Position in the South China Sea

Hamid Dorj\*

PhD in International Relations, Department of International Relations, University of Guilan, Rasht, Iran

Article history:

Received: 20/08/2025

Accepted: 22/09/2025

### Abstract

#### Introduction

As the most prominent and assertive claimant in the South China Sea, China has adopted an increasingly powerful and expansive approach to this maritime space. For years, Beijing has conducted patrols and military manoeuvres in disputed waters, and these activities have grown markedly. China has also engaged in extensive land reclamation, constructed military infrastructure, and increased patrols in contested areas. These developments have intensified tensions with other claimant states and attracted international criticism. Regional and international actors are concerned that an armed confrontation in the South China Sea could disrupt trade. For the United States, as a major actor in the region, the principal interests are connected to freedom of navigation and the expansion of American influence. Washington presents China as one of the main threats to global

*Please cite this article as:*

Dorj, H. (2026). The United States' Strategy of Securitising China's Position in the South China Sea. *Journal of Regional Orders Studies*, 3(1)109-150.

\* Corresponding author: E-mail address: [hamid.dorj@gmail.com](mailto:hamid.dorj@gmail.com)

maritime security. It has therefore sought to counter Beijing's growing ambitions by deepening cooperation with its East Asian allies and participating in regular military exercises in the region.

### **Methods**

This article uses a descriptive-analytical method. The data and information required for the study have been collected through library-based research and internet sources. On this basis, the study examines the United States' strategy towards China's position in the South China Sea and analyses how Washington has securitised China's maritime behaviour and regional ambitions.

### **Findings**

China has built military bases on artificial islands in order to support its wider developmental and strategic ambitions. The expansion of China's defence and military capabilities, together with the militarisation of the South China Sea and Beijing's firm territorial claims, has intensified its confrontation with the United States and with some regional states. China is strengthening its military capabilities in ways that can limit American access to the Western Pacific. The possibility that China seeks to control the entire South China Sea is therefore understood as a decisive step towards regional dominance and as a development that could threaten the existing global order. Some Chinese scholars acknowledge that one of the important objectives of the United States' pivot, or rebalancing strategy, was not simply to use the South China Sea disputes to preserve freedom of navigation or norms of conflict resolution. Rather, this strategy was also connected to the broader aim of containing China's international rise. The South China Sea disputes, often described as the "mother of all territorial disputes", are among the most important issues in the recent international relations of the Asia-Pacific region. Because of the multiplicity of interests involved and the geopolitical importance of the sea, these disputes have become a principal point of disagreement between China and the United States. They may also become a key element in future Sino-American relations.

With its rapid economic growth, China has become a major regional power in Asia, and its influence is gradually extending to other parts of the world. This development has contributed to the expansion of tensions between the United States and China. Like many states, China has territorial disputes with a number of its fourteen neighbouring countries. Yet the South China Sea, together with the disputes in the East China Sea, has attracted particular attention. The United States interprets China's actions in this

maritime domain as aggressive and expansionist, while China regards its claims and activities as part of its sovereign rights and strategic requirements. This divergence enables Washington to frame China's position in the South China Sea as a security threat. The securitisation of China's role allows the United States to justify an expanded military presence in the Pacific, closer defence relations with regional allies, and regular participation in military exercises. In this sense, the South China Sea is not only a site of territorial disagreement, but also a strategic arena in which the balance of power, freedom of navigation, alliance politics, and regional order are contested. The American approach is therefore based on representing China as a growing threat whose maritime ambitions must be balanced through military preparedness, regional partnerships, and strategic pressure.

### **Conclusions**

The United States and China, as two ambitious powers, regard Southeast Asia as a key arena for expanding their influence and pursuing their multifaceted interests. China's extensive land reclamation, construction of military infrastructure, and patrols in disputed areas have generated tensions with other claimant states and drawn international criticism. In this context, China's assertive and expansionist actions in the South China Sea are considered by the United States and by China's neighbours to be a strategic threat. Accordingly, the United States has strengthened its military forces and equipment in the Pacific in recent years by constructing China as a threat. Through this strategy, Washington seeks to increase its presence, reinforce its relations with regional allies, and prepare itself to confront the consequences of Beijing's development and growing military power in East Asia.

**Keywords:** South China Sea, America, China, competition, balance of threats.



مقاله پژوهشی

## راهبرد آمریکا در امنیتی‌سازی جایگاه چین در دریای چین جنوبی حمید درج\*

دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹

اطلاعات مقاله

### چکیده

**مقدمه:** چین به‌عنوان برجسته‌ترین و مدعی‌ترین دولت در دریای چین جنوبی، رویکردی قدرتمندتر و گسترده‌تر را دنبال کرده است. چین سال‌هاست که در آب‌های مورد مناقشه گشت‌زنی و مانورهای نظامی انجام می‌دهد و این تمرینات را به‌طور چشمگیری افزایش داده است. این کشور درگیر احیای گسترده زمین، ساخت زیرساخت‌های نظامی و گشت‌زنی در مناطق مورد مناقشه شده است که این امر منجر به تنش با سایر کشورهای مدعی شده و انتقادات بین‌المللی را به دنبال داشته است. بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نگران هستند که یک درگیری مسلحانه باعث اختلال در تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی شود. منافع ایالات متحده به‌عنوان یک بازیگر اصلی در منطقه بیشتر در جهت ناوبری و گسترش نفوذ در منطقه است. آمریکا مدعی است که چین یکی از تهدیدهای اصلی برای امنیت دریانوردی جهانی است. در این رابطه، آمریکا با توسعه همکاری‌ها با متحدان خود در شرق آسیا و مشارکت در برگزاری رزمایش‌های نظامی منظم در منطقه در صدد مقابله با جاه‌طلبی‌ها و تهدیدات روزافزون پکن برآمده است.

استناد به این مقاله:

درج، حمید (۱۴۰۵). راهبرد آمریکا در امنیتی‌سازی جایگاه چین در دریای چین جنوبی. پژوهشنامه نظم‌های منطقه‌ای آسیا. ۳ (۱). ۱۵۰-۱۰۹.

\* نویسنده مسئول:

**روش:** روش تحقیق در این نوشتار، توصیفی - تحلیلی است و شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌های تحقیق از طریق منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت گرفته است.

**یافته‌ها:** چین پایگاه‌های نظامی در جزایر مصنوعی ساخته است تا به جاه‌طلبی‌های خود برای توسعه کمک کند. افزایش پتانسیل دفاعی - نظامی چین به همراه نظامی‌سازی آب‌های دریای چین جنوبی و ادعاهای سرسخت آن، تقابل چین با آمریکا و برخی از کشورهای این منطقه را تشدید کرده است. چین در حال تقویت توانایی‌های نظامی خود برای جلوگیری از دسترسی آمریکا به غرب اقیانوس آرام است. این واقعیت که چین قصد دارد کل دریای چین جنوبی را کنترل کند؛ گامی تعیین‌کننده به سوی سلطه منطقه‌ای است که نظم جهانی را تهدید می‌کند. برخی از محققان چینی اذعان می‌دارند که یکی از اهداف مهم استراتژی محوری یا تعادل مجدد ایالات متحده، استفاده از اختلافات دریای چین جنوبی در جهت حفظ برخی آزادی‌های ناوبری یا هنجارهای حل منازعه نبود؛ بلکه به مهار رشد بین‌المللی گسترده‌تر چین نیز مربوط شد. مناقشات دریای چین جنوبی که به‌عنوان «مادر همه اختلافات سرزمینی» نامیده می‌شود؛ یکی از موضوعات مهم در روابط بین‌المللی اخیر منطقه آسیا و اقیانوسیه است. به دلیل وجود منافع مختلف در سطوح مختلف و اهمیت ژئوپلیتیکی دریا برای منطقه و سایر نقاط جهان، این موضوعات یکی از موارد اختلاف نظر بین چین و ایالات متحده است و ممکن است عنصری کلیدی در آینده روابط چین و آمریکا باشد. با رشد سریع اقتصادی، چین یک قدرت منطقه‌ای بزرگ در آسیا است و نفوذ آن به تدریج در سایر نقاط جهان گسترش می‌یابد. این امر باعث گسترش تنش و درگیری‌ها بین ایالات متحده و چین می‌شود. چین مانند بسیاری از کشورها، با بسیاری از چهارده کشور همسایه خود دارای اختلافات ارضی است؛ اما دریای چین جنوبی در کنار مناقشات دریای چین شرقی، از مواردی هستند که توجه بیشتری را به خود جلب می‌کنند.

**نتیجه‌گیری:** ایالات متحده و چین به‌عنوان دو قدرت جاه‌طلب، جنوب شرق آسیا را مکانی کلیدی برای افزایش نفوذ و منافع چندوجهی خود می‌دانند. چین درگیر احیای گسترده زمین، ایجاد زیرساخت‌های نظامی و گشت‌زنی در مناطق مورد مناقشه شده است که این امر منجر به تنش با سایر کشورهای مدعی حاکمیت ارضی شده و انتقادات بین‌المللی را نیز به دنبال داشته است. در این میان، اقدامات تهاجمی و توسعه‌طلبانه چین در دریای چین جنوبی، تهدیدی استراتژیک برای کشورهای همسایه چین و ایالات متحده محسوب می‌شود؛ لذا ایالات متحده با تهدیدسازی از چین، نیروها و تجهیزات نظامی خود را در سال‌های اخیر در حوزه اقیانوس آرام تقویت کرده است تا بدین ترتیب، ضمن افزایش حضور و تقویت

مناسبات با متحدان منطقه‌ای، خود را برای مقابله با تهدیدهای ناشی از توسعه و افزایش قدرت نظامی پکن در شرق آسیا آماده کند.

**واژگان کلیدی:** دریای چین جنوبی، آمریکا، چین، رقابت، موازنه تهدید.

## سرآغاز

دریای چین جنوبی به عنوان یک منطقه دریایی که نقش حیاتی در سیستم تجاری آسیا-اقیانوسیه دارد؛ به دلیل منابع غنی (شیلات، گاز، نفت، انرژی و ...) و پتانسیل رشد، به طور فزاینده‌ای توجه کشورهای جهان را به خود جلب می‌کند. این سرزمین آبی، نقش مهمی در تسهیل تعاملات اجتماعی در تاریخ آسیا داشته است. چندین کشور در این منطقه از جمله چین، فیلیپین، ویتنام، مالزی، برونئی و اندونزی، ادعای حاکمیت بر جزایر و حقوق دریایی دارند. ویتنام ادعاهای خود را بر اساس ارث مطرح می‌کند. در دهه ۱۹۷۰، زمانی که روابط بین چین و ویتنام بدتر شد؛ ویتنام ادعای خود را بر منطقه مطرح کرد. مالزی در جزایر اسپراتلی جنوبی که تحت قاره مالزی است، ادعاهایی دارد. این امر باعث می‌شود که ادعای آن‌ها از نظر قانونی قابل قبول باشد. اندونزی بر تنها بخشی از دریا که از منطقه ویژه اقتصادی انحصاری آن سرچشمه می‌گیرد، ادعاهایی دارد. فیلیپین همچنین، فقط در مورد بخشی از سرزمین‌هایی که تحت مناطق اقتصادی انحصاری آن‌ها قرار دارند ادعاهایی دارد و ادعای آن‌ها نیز بر اساس دلایل تاریخی است. ادعاهای برونئی همچنین، بر اساس منطقه ویژه اقتصادی انحصاری آن‌ها است که توسط کنوانسیون سازمان ملل در مورد حقوق دریاها در سال ۱۹۸۲ ذکر شده است (Saha, 2020: 13). عوامل مختلفی از جمله دسترسی به منابع طبیعی ارزشمند، کنترل بر خطوط استراتژیک دریایی و نگرانی‌های امنیت ملی، باعث این ادعاها می‌شود. جدا از سرعت بی‌سابقه توسعه اقتصادی منطقه آسیا-اقیانوسیه، این منطقه دارای اختلافات سیاسی شدید در میان کشورهای بسیار ناهمگن خود است که این امر، ریشه در انواع درگیری‌های در حال ظهور و جاری، تنش‌های سیاسی عمیق و تغییر قدرت دارد.

چین به عنوان برجسته‌ترین و مدعی‌ترین دولت در دریای چین جنوبی، رویکردی قدرتمندتر و گسترده‌تر را دنبال کرده است. چین سال‌هاست که در آب‌های مورد مناقشه، گشت زنی و مانورهای نظامی انجام می‌دهد و این تمرینات را به طور

چشمگیری افزایش داده است. این کشور درگیر احیای گسترده زمین، ساخت زیرساخت‌های نظامی و گشت زنی در مناطق مورد مناقشه شده است که این امر منجر به تنش با سایر کشورهای مدعی شده و انتقادات بین‌المللی را به دنبال داشته است. بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، نگران هستند که یک درگیری مسلحانه باعث اختلال در تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی شود. منافع ایالات متحده به‌عنوان یک بازیگر اصلی در منطقه، بیشتر در جهت نوابری و گسترش نفوذ در منطقه است. نگرانی اصلی واشنگتن، عمدتاً تحت تأثیر افزایش نفوذ چین است. این امر باعث شده تا واشنگتن از خیزش چین در دریای چین جنوبی، برداشتی تهدیدآمیز داشته باشد و به امنیتی‌سازی جایگاه پکن در این منطقه مبادرت ورزد.

در این چارچوب، مقامات کاخ سفید با توسعه حضور در منطقه آسیا-اقیانوسیه و ایجاد ائتلاف با کشورهای منطقه، در جهت ایجاد فشار بر پکن و انزوای آن در شرق آسیا گام برمی‌دارند. ایالات متحده نه‌تنها در آسیای جنوب شرقی، بلکه به‌طورکلی در سطح بین‌الملل، تلاش می‌کند تا چین را مهار کند. آمریکا مدعی است که چین، یکی از تهدیدهای اصلی برای امنیت دریانوردی جهانی است. خطر رویارویی بین کشتی‌های جنگی ایالات متحده و چین در دریای جنوبی چین، همچنان قابل‌توجه است. هر دو کشور عملاً هیچ اقدام صلح‌آمیزی انجام نمی‌دهند؛ اما به ظرفیت نظامی خود متکی هستند که این امر باعث افزایش تنش‌ها و گسترش مسابقه عظیم تسلیحاتی در منطقه آسیا-اقیانوسیه خواهد شد. در واقع، موضوع دریای چین جنوبی به ایالات متحده اهرمی در بحث و مذاکره با چین می‌دهد. حمایت ایالات متحده از اصول بنیادین و سپر امنیتی واشنگتن، به بسیاری از کشورهای آسیای جنوب شرقی انگیزه کافی می‌دهد تا برای تقویت روابط دوجانبه خود با واشنگتن تلاش کنند؛ زیرا رقابت در دریای چین جنوبی حل‌نشده‌ترین مسئله امنیتی در روابط چین و آسیای جنوب شرقی است. نقش ایالات متحده نیز به‌عنوان حمایت از انسجام آ. سه. آن در نظر گرفته می‌شود. بدین ترتیب، والت بر این باور است که دولت‌ها در نظام آنارشیک به جای موازنه در برابر

قدرت و توانمندی‌های اقتصادی و نظامی یکدیگر، در برابر تهدیدات و آنچه تهدید تلقی می‌کنند با یکدیگر متحد می‌شوند. در این رابطه، آمریکا با توسعه همکاری‌ها با متحدان خود در شرق آسیا و مشارکت در برگزاری رزمایش‌های نظامی منظم در منطقه، درصدد مقابله با جاه‌طلبی‌ها و تهدیدات روزافزون پکن برآمده است. در رابطه با امنیت، ایالات متحده چندین واکنش برای حفاظت از منافع آمریکا در منطقه انجام داده یا برنامه‌ریزی کرده است. ایالات متحده برای استقرار نیروهای مسلح خود بین اقیانوس آرام و هند، به عبور آزاد از آب‌ها و حریم هوایی دریای چین جنوبی وابسته است. با توجه به موقعیت استراتژیک این منطقه دریایی، واشنگتن ناگزیر می‌خواهد نقش و نفوذ خود را در دریای چین جنوبی حفظ کند که این، یک موضوع بین‌المللی بسیار مهم در سیاست خارجی واشنگتن محسوب می‌شود. بدین ترتیب، سؤال اصلی پژوهش این است که آمریکا برای امنیتی‌سازی جایگاه چین در دریای چین جنوبی چه راهبردی را در پیش گرفته است؟ روش تحقیق در این نوشتار، توصیفی-تحلیلی است و شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌های تحقیق از طریق منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت گرفته است. این نوشتار بر اساس نظریه موازنه تهدید انجام شده است.

### ۱. پیشینه پژوهش

جایگاه و اقدامات چین در دریای چین جنوبی، یکی از متغیرهای مهم و تأثیرگذار در سیاست خارجی آمریکا است که توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. مطالعات انجام شده، تلاش کرده‌اند سیاست آمریکا در قبال چین در این منطقه را از زوایای مختلف تحلیل کنند. در این راستا، پژوهش‌های برجسته و مرتبط با موضوع این نوشتار مرور می‌شوند.

مهدی عباس زاده فتح‌آبادی و احمد رضانی (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با نام «سیاست چین در دریای جنوبی؛ سیاست قدرت و نفوذ دریایی»؛ اذعان می‌دارند که چین به دلیل

رشد اقتصادی و همچنین نیاز به منابع، در پی گسترش قدرت و نفوذ خود در دریای جنوبی است و این سیاست به تشدید منازعه در روابط چین با کشورهای حوزه پیرامونی این دریا و بازیگران ذی‌نفوذ بین‌المللی به‌ویژه ایالات‌متحده منجر شده است. رشید رکابیان و حسین دلاور (۱۴۰۳)، در مقاله‌ای با نام «توافقنامه امنیتی چین با جزایر سلیمان: گسترش دامنه قدرت‌نمایی در زنجیره جزایر»، استدلال می‌کنند؛ در شرایطی که اقدامات تحریک‌آمیز آمریکا و متحدانش علیه چین در قبال تایوان ادامه دارد، در نیمه اول سال ۲۰۲۲، چین مقیاس و دامنه بلندپروازی‌های ژئواستراتژیک خود در منطقه جزایر اقیانوس آرام را روشن کرد. اولین نشانه در ماه مارس ۲۰۲۲ زمانی رخ داد که یک پیش‌نویس توافقنامه امنیتی محرمانه بین چین و جزایر سلیمان فاش شد. پنگهونگ کای<sup>۱</sup> (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان «دریای چین جنوبی: آب‌های آشفته در روابط چین و ایالات‌متحده»؛ بیان می‌دارد که دولت ترامپ به دنبال صلح از طریق قدرت نظامی قوی‌تر است که تأثیر پیچیده‌ای بر وضعیت امنیتی دریای چین جنوبی و همچنین بقیه منطقه آسیا و اقیانوسیه خواهد داشت. ترامپ معتقد است که ایالات‌متحده باید برتری دریایی خود را در آسیا و اقیانوسیه تثبیت کند؛ اما رویارویی و درگیری با چین به‌هیچ‌وجه گزینه سیاسی برای ایالات‌متحده برای حفظ هژمونی منطقه‌ای خود نیست. ماریا فلورنسیا روبیولو<sup>۲</sup> (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان «مناقشه دریای چین جنوبی: یک بازتاب اقتصاد جنوب شرقی آسیا و معضلات استراتژیک (۲۰۱۸-۲۰۰۹)»؛ اذعان می‌دارد که مشارکت مجدد آمریکا به‌عنوان ضامن امنیت منطقه، پیوندهای جدید وابستگی استراتژیک را برای کشورهای آسیای جنوب شرقی ایجاد کرده است که از لحاظ اقتصادی عمدتاً به چین متکی هستند.

1. Penghong Cai

2. María Florencia Rubiolo

نوآوری پژوهش این است که تحقیقات قبلی عمدتاً به مباحث مربوط به رقابت سیاسی آمریکا و چین در دریای چین جنوبی پرداخته‌اند؛ اما این نوشتار سعی دارد تا موضوع سیاست آمریکا برای امنیتی سازی رفتار چین در دریای چین جنوبی و مقابله این کشور با تهدیدات امنیتی پکن در شرق آسیا را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

## ۲. چارچوب نظری: موازنه تهدید

مفهوم موازنه تهدید ابتکار نظری استفان والت، نظریه پرداز مشهور واقع‌گرایی تدافعی، برای نشان دادن عدم کفایت نظریه موازنه قوا در تحلیل رفتار دولت‌ها در شرایط موازنه بود. به عقیده والت، دولت‌ها در وضعیت آنارشیک برای حفاظت از خود به ایجاد اتحاد سوق می‌یابند؛ لیکن چندین عامل در عملکرد دولت‌ها در نظام بین‌الملل مؤثر است: نخست، آن‌ها بر اساس برداشتی که از تهدیدات دارند سیاست خارجی خود را تنظیم می‌کنند؛ دوم آن‌که، قدرت دیگر بازیگران یک رکن مهمی در محاسبات آن‌ها بوده و دیگر قدرت‌ها بسته به این‌که در کدام مکان جغرافیایی، برخورداری اقتصادی یا دارای متحدان قوی بوده و تا چه میزان توانایی ایجاد تهدید یا نحوه ایجاد تهدید را داشته باشند، می‌توانند مایه دردسر یا عامل ایجاد یک امتیاز به شمار روند (Walt, 1990: 261-275). والت بر این باور است که امنیت، بیش از آنکه در برابر قدرت طرح شود، در برابر تهدید طرح می‌شود. والت در نقد والتز، از تمایز بین قدرت و تهدید بهره می‌گیرد. به باور والت، تهدید و نه قدرت در قلب نگرانی‌های امنیتی دولت‌ها قرار دارد و بر این اساس، دولت‌ها ضرورتاً از قدرتمندترین دولت‌ها نمی‌ترسند؛ بلکه از دولتی می‌ترسند که بیش از سایر دولت‌ها تهدیدآمیز جلوه کند (درج، ۱۴۰۲: ۱۲۰). بدین ترتیب، یکی از مباحث مهم در موازنه تهدید، جستجوی امنیت است. دولت‌ها در برابر قدرت تهدیدگر، تلاش می‌کنند امنیت نسبی خود را افزایش دهند. اگر کشوری قصد بر هم زدن امنیت و موازنه را داشته باشد؛ سایرین بایستی جهت کسب امنیت، اقدام به

افزایش قدرت و دستیابی به موازنه جدید کنند (Walt, 2013: 131). نقطه اساسی مباحث والت، در بررسی علت اتحادها و ائتلاف‌های نظامی با هدف ایجاد موازنه و یا در واکنش به احساس تهدید است. به اعتقاد وی برخلاف آنچه تصور می‌شود، کشورها در مقابل افزایش قدرت دیگر کشورها دست به موازنه نمی‌زنند بلکه در مقابل، آنچه باعث حرکت کشورها به سوی توازن می‌شود، میزان تهدیدی است که درک می‌کنند. زمانی که تهدید احساس می‌شود، کشورها یا تلاش می‌کنند در مقابل آن توازن ایجاد کنند یا این‌که، به کشوری قدرتمند می‌پیوندند (هراتی و جلال پور، ۱۴۰۰: ۸۴). والت معتقد است؛ کشورها با چهار مؤلفه قرابت جغرافیایی، توزیع امکانات، توانایی تهاجمی و ادراک نیت تجاوز نسبت به تهدیدات خارجی واکنش نشان می‌دهند. در مورد قدرت و یا توانایی‌ها می‌توان گفت که هر چه قدرت کشور تهدیدکننده بیشتر باشد، میزان تهدید دریافت شده بیشتر است. مسئله بعدی، نزدیکی جغرافیایی است. از نظر والت، کشورها تهدید را هراندازه نزدیک‌تر باشند، به شکل بهتر و بیشتری درک می‌کنند. در زمینه قدرت تهاجمی نیز باید گفت که بین نیت تهاجمی و میزان تهدید، ارتباط مستقیمی وجود دارد. به این معنا که هرچه قدر توانایی نظامی کشوری بیشتر باشد، میزان نگرانی و تهدید به همان میزان افزایش می‌یابد. سرانجام، کشورهایی که تهاجمی به نظر می‌رسند، احتمالاً باعث می‌شوند دیگران علیه آن‌ها موازنه شکل دهند (Walt, 2010: 163).

به‌طور کلی، نظریه موازنه تهدید معتقد است که دولت‌ها برای تأمین امنیت، عوامل متعددی را در نظر می‌گیرند و اتحادهای آن‌ها صرفاً بر مبنای قدرت کل نیست؛ بلکه ترکیبی از عوامل عینی و ذهنی است که به شکل‌گیری تصور تهدید از یک پدیده منجر می‌شود. بر این اساس، ایالات متحده طی دوره پس از جنگ سرد با تکیه بر این نظریه، تلاش کرده است از ظهور چین به‌عنوان قدرتی تهدیدکننده جلوگیری کند؛ زیرا چین با توسعه اقتصادی پایدار، مدرن‌سازی نظامی و استقرار پایگاه‌های نظامی در مناطق کلیدی مانند دریای چین جنوبی، سعی دارد سلطه خود بر مسیرهای تجاری، اقتصادی و خطوط

حیاتی انرژی را گسترش دهد. علاوه بر این، پکن در تلاش است تا همراه با ترویج مدل توسعه اقتصادی چینی و افزایش نفوذ فرهنگی و دیپلماتیک خود، پایه‌های نهادها و ارزش‌های نظم بین‌المللی لیبرال به رهبری آمریکا را متزلزل و جایگاه خود را به‌مثابه هژمون بدیل در نظم نوین جهانی مستحکم کند. مجموع این عوامل و موارد، به برداشت تهدیدآمیز ایالات متحده و کشورهای ساحلی دریای چین جنوبی از افزایش قدرت چین و ضرورت موازنه سازی در برابر آن، شکل داده است. این برداشتها باعث شده است تا مقامات واشنگتن، اقدام به امنیتی سازی رفتار چین در آسیا-اقیانوسیه کنند و درصدد کنترل و انزوای پکن در شرق آسیا برآیند.

### ۳. یافته‌های تحقیق

#### ۳-۱. اهمیت راهبردی دریای چین جنوبی در معادلات جهانی

دریای چین جنوبی، یک دریای گرم است که یک مسیر دریایی مهم بین اقیانوس آرام و اقیانوس هند را به هم متصل می‌کند و یکی از دو مسیر دریایی مهم و بزرگ جهان است. برخلاف سایر مسیرهای دریایی بین‌المللی که دارای آب‌های یخزده در تمام طول سال، دشواری جابه‌جایی و عدم راحتی حمل کالا هستند، مسیر دریای چین جنوبی یک منطقه آب گرم در تمام طول سال است و برای جابجایی کالاها راحت است. دریای چین جنوبی، خط حیاتی حمل‌ونقل است که هند و اقیانوس آرام، آسیا و اروپا را به هم متصل می‌کند. مسیر دریای چین جنوبی نزدیک به ۵۰ درصد از حمل‌ونقل دریایی جهان را تشکیل می‌دهد (Hà, 2015: 5). تقریباً یک‌سوم تجارت دریایی جهان، از طریق این آب‌ها انجام می‌شود و آسیای شرقی را به سایر نقاط جهان متصل می‌کند. هرگونه اختلال یا انسداد در این جریان، پیامدهای عمیقی برای تجارت جهانی خواهد داشت و باعث ایجاد اثرات موجی در زنجیره تأمین و اقتصاد در سراسر جهان می‌شود؛ بنابراین، حفظ خطوط دریایی باز و ایمن در دریای چین جنوبی برای ثبات تجارت بین‌المللی بسیار مهم است. مسیر

دریای چین جنوبی که به دلیل ترافیک بالای خود شناخته شده است؛ بیش از ۶۰ درصد از فعالیت ناوگان تجاری سالانه جهانی را در خود جای می‌دهد و از حجم ترافیک کانال سوئز سه برابر و کانال پاناما ۱۵ برابر پیشی می‌گیرد (Schrag, 2017: 5). بر اساس گزارش‌های کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد، حدود ۸۰ درصد تجارت جهانی از نظر حجم و ۷۰ درصد ارزش تجارت جهانی از طریق دریا انجام می‌شود. از این ۸۰ درصد تجارت، ۶۰ درصد تجارت دریایی از طریق آسیا و بیش از یک‌سوم این تجارت از طریق دریای چین جنوبی انجام می‌شود (Peng And Shi, 2020: 175).



نقشه ۱: موقعیت راهبردی دریای چین جنوبی

(خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۵: ۳)

گفته می‌شود که تقریباً ۶۰ درصد منابع انرژی تایوان و ژاپن، ۸۰ درصد واردات نفت خام چین و ۶۶ درصد منابع انرژی کره جنوبی از طریق آب‌های دریای چین جنوبی حمل می‌شود (Groten, 2019: 65). این موضوع نشان می‌دهد که این منطقه دریایی چقدر برای کشورهایمانند چین، تایوان و ژاپن اهمیت دارد. این کشورها به تنگه مالاکا وابسته هستند که دریای چین جنوبی و اقیانوس هند را به هم متصل می‌کند. چین، دومین اقتصاد بزرگ جهان، بسیار به این منطقه دریایی وابسته است (Turkes,

5: 2018). به طوری که دریای چین جنوبی مسیر حمل و نقل تقریباً تمام واردات نفت چین است. این آبراه استراتژیک بین‌المللی، برای توسعه چین حیاتی شده است. دریای چین جنوبی، «گلو» سیستم حمل و نقل نه تنها چین، بلکه جهان محسوب می‌شود. از نظر نظامی، این منطقه دفاعی در موقعیت استراتژیک جهانی چین است. دریای چین جنوبی، یک حائل دریایی برای استان‌های جنوبی چین تشکیل می‌دهد و صحنه کلیدی عملیات در درگیری بر سر تایوان با ایالات متحده خواهد بود. هرگونه تلاش برای محاصره چین در زمان جنگ نیز در این آب‌ها رخ می‌دهد (Vo et al., 2023: 343).

## ۲-۳. گسترش تمرینات نظامی چین در دریای چین جنوبی

در پایان دهه اول قرن بیست و یکم، ناسیونالیسم چینی، قدرت دریایی فزاینده و اقدامات یک‌جانبه آن، آشکارا علیه فیلیپین به عنوان یک کشور آسیای جنوب شرقی و از نظر نظامی ضعیف، هدایت شد. سایر کشورهای ساحلی، این امر را نشانه‌ای شوم از توسعه طلبی دریایی چین در منطقه‌ای با موقعیت استراتژیک کلیدی و منابع بالقوه می‌دانند. کشتی‌های عمومی و ماهیگیری ویتنامی و فیلیپین، توسط کشتی‌های گشت چینی مورد آزار و اذیت، توقیف یا شلیک قرار می‌گیرند. این رفتارهای تهاجمی چین، کشورهای مدعی حاکمیت ارضی را مجبور می‌کند از منطقه مورد مناقشه عقب‌نشینی کنند (Shoji, 2012: 13). رشد سریع اقتصادی چین در دهه‌های گذشته، سبب شده است تا پکن نقش سیاسی بیشتری در امور جهانی ایفا کند. این کشور، تا قبل از دهه ۱۹۷۰ میلادی قابلیت نظامی چشمگیری برای برهم زدن توازن قوا در منطقه آسیا-پاسفیک نداشت؛ اما با تغییرات و انتقال قدرت و تغییر رهبران و نیز تغییراتی که در سیاست خارجی این کشور به وجود آمد، رفته‌رفته بر قدرت و نفوذ این کشور در منطقه و نظام بین‌الملل افزوده شد. رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی و نظامی این کشور با اتخاذ سیاست درهای باز در دهه ۱۹۷۰ میلادی رو به گسترش نهاد؛ به گونه‌ای که این کشور امروزه به یکی از بازیگران مطرح در نظام بین‌الملل تبدیل شده است. علاوه بر

این، قدرت اقتصادی چین، به‌شدت فرایند ساخت و نوسازی نظامی را تسریع کرد که به‌خوبی ظرفیت‌های نظامی ارتش آزادی‌بخش خلق را برای رویارویی با هرگونه تهدید بالقوه علیه منافع اصلی خود تقویت کرد (Groten, 2019: 56). چین پایگاه‌های نظامی در جزایر مصنوعی ساخته است تا به جاه‌طلبی‌های خود برای توسعه کمک کند. افزایش پتانسیل دفاعی - نظامی چین به همراه نظامی‌سازی آب‌های دریای چین جنوبی و ادعاهای سرسخت آن، تقابل چین با آمریکا و برخی از کشورهای این منطقه را تشدید کرده است (Thayer, 2010: 36). چین در طول سال ۲۰۲۲ تمرینات نظامی در دریای چین جنوبی انجام داد. در اوایل سال ۲۰۲۲، چین اعلام کرد که مانورهایی در دو مرحله در مکان‌هایی بین استان هاینان در چین و ویتنام، انجام خواهد داد. اداره دریانوردی چین در ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۲ اعلام کرد که این کشور، مانورهای نظامی در دریای چین جنوبی انجام داده و ورود کشتی‌ها به این منطقه را ممنوع کرده است. چین در ۹ نوامبر ۲۰۲۲ مانورهای یک‌جانبه خود در منطقه دریای چین جنوبی را تشدید کرد تا ادعاهای خود نسبت به منطقه را ابراز و سایر طرف‌های درگیر در رقابت با چین را مرعوب کند. مانورهای نظامی منطقه‌ای چین با نشان دادن قدرت نظامی، ادعای این کشور را تقویت می‌کند. این امر باعث نگرانی کشورهای منطقه به‌ویژه کشورهای آ. سه. آن شده است که اکنون به دقت در حال ارزیابی سیاست‌های خود در قبال چین هستند (Hanh, 2022: 5). برگزاری تمرینات نظامی چین در آب‌های دریای چین جنوبی، نقش به‌سزایی در گسترش مسابقات تسلیحاتی در این دریای سرزمینی خواهد داشت و این اقدامات می‌تواند مناقشه ارضی در منطقه را پیچیده‌تر کند.

### ۳-۳. تهدیدسازی آمریکا در واکنش به افزایش قدرت منطقه‌ای و جهانی چین

آنچه هم‌اکنون در کانون نگرانی‌های ایالات متحده در مورد ساختار در حال پیدایش منطقه شرق آسیا قرار دارد، نفوذ روزافزون چین است. در صورت تسلط چین بر نهادهای منطقه‌ای شرق آسیا، این خطر وجود دارد که پکن این نهادها را در مسیری

قرار دهد که با منافع آمریکا انطباق نداشته باشد. بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران سیاسی معتقدند؛ چین با جغرافیا و جمعیت قابل توجه، بازار گسترده و پرطرفیت، به همراه رشد اقتصادی، توسعه نهادهای پولی و به‌عنوان عضو دائم شورای امنیت، به آینده چشم دوخته است. چین با این قابلیت‌ها، تا حدودی می‌تواند خلأ قدرت شوروی سابق را در معادلات منطقه‌ای و جهانی پر کند. چین کشوری است که در سال‌های اخیر، رویکردی جدی به بازسازی و ترمیم ساختار ارتش خلق نشان داده و در همان حال، بنیان‌های حزب کمونیسم را تقویت کرده است که خود نگرانی‌های بی‌شماری را برای ایالات متحده به وجود آورده است (بصیری و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۴). این کشور در تحقق «رؤیای چینی»، با جاه‌طلبی می‌خواهد یک سیستم بین‌المللی تحت رهبری خود بسازد و این سیستم عملاً عناصر لیبرال نظم جهانی کنونی تحت رهبری ایالات متحده را از بین می‌برد. چین به‌طور فزاینده‌ای با ایالات متحده در اقتصاد برابر شده است و تمایل خود را برای استفاده از قدرت اقتصادی خود برای تقویت استراتژی خود نشان داده است (Weaver, 2015: 56) و در حال تقویت توانایی‌های نظامی خود، برای جلوگیری از دسترسی آمریکا به غرب اقیانوس آرام است. این واقعیت که چین قصد دارد کل دریای چین جنوبی را کنترل کند، گامی تعیین‌کننده به سوی سلطه منطقه‌ای است که نظم جهانی را تهدید می‌کند (Waldron, 2014: 173). چین می‌خواهد مناطق اطراف دریای چین جنوبی را کنترل کند تا مزیتی به وجود آورده و به تأثیرگذارترین بازیگر در منطقه آسیا-اقیانوسیه تبدیل شود و همچنین زمینه‌ای برای بازی برابر با ایالات متحده ایجاد کند. هدفی که چین باید به آن دست یابد، بیرون راندن حضور نظامی آمریکا و متحدانش از آسیا و اقیانوسیه است. در حالت ایدئال، چین مایل است در دریاهای استراتژیک تعادل یا قدرت نظامی قوی‌تری نسبت به ایالات متحده به دست آورد که در آن، دریای چین جنوبی می‌تواند میدان بازی اصلی باشد. هژمونی آمریکا مبتنی بر نظم جهانی لیبرال است. رد نظم جهانی مبتنی بر قواعد و امتناع چین از انطباق با هنجارهای ایالات متحده، اعتبار و موقعیت رهبری

ایالات متحده را از بین برده است. اگر ایالات متحده بازیگر اصلی و سخنگوی نظم جهانی لیبرال نبود؛ بنابراین قدرت مسلط در آسیا هم نبود. در نتیجه، هژمونی ایالات متحده دیگر جهانی نبود و چین آزادانه هژمونی خود را در منطقه برقرار می‌کرد و احتمالاً به سمت هژمونی جهانی حرکت می‌کرد. برای تحقق این جاه‌طلبی، چین ادعاهای ارضی و دریایی را با اقداماتی انجام داده است که به حاکمیت دریایی سایر کشورها تجاوز می‌کند و دریای چین جنوبی را همیشه در حالت تنش قرار می‌دهد (Nguyễn et al., 2024: 11). اقدامات توسعه‌طلبانه چین در آب‌های آسیا-اقیانوسیه، می‌تواند هندسه قدرت را به ضرر واشنگتن در منطقه جابجا کند.

جهان در حال تبدیل شدن به ماهیت چندقطبی است. با این حال، فرض پکن در سال ۲۰۰۸ یعنی زمانی که سقوط اقتصاد ایالات متحده آغاز شد، به واقعیت تبدیل شد. به دنبال کاهش قدرت اقتصادی ایالات متحده، پکن در سال ۲۰۰۹ خواستار سیاست خارجی فعال‌تر برای مدیریت بحران مالی بین‌المللی شد. سفر اوباما به پکن در نوامبر ۲۰۰۹ و درخواست کمک از چین برای رسیدگی به مشکلات جهانی، موقعیت این کشور را بیشتر تقویت کرد. اوباما در دوران تصدی خود بر ریاست جمهوری آمریکا، پذیرفت که جهان دارای ماهیت چندقطبی شده است. مشارکت فعال چین در مدیریت امور بین‌الملل، مانند نقش آن در برخورد با موضوع هسته‌ای ایران، این اطمینان را به این کشور داد تا تفاسیر جدیدی از حقوق بین‌الملل دریایی توسعه دهد و منافع استراتژیک و ملی فوری خود را برآورده کند (Mehboob, 2018: 211-212). از نظر دولتمردان پکن، نظام امنیتی دلخواه آمریکا به علت بی‌اعتنایی به نقش، نفوذ و جایگاه چین در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، نه تنها غیرطبیعی است، بلکه خلاف منافع امنیت ملی و تمامیت ارضی چین، طراحی و تعریف شده است. چنین نظامی، نقض تمامیت ارضی چین نیز محسوب می‌شود؛ چون در پوشش این محیط امنیتی، تایوان که بخشی از خاک چین است، از حاکمیت ملی این کشور خارج شده و طبعاً در صف رقبای تهدیدکننده چین قرار خواهد گرفت. به همین علت، چین منافع و امنیت

ملی خود را در خروج بازیگر فرا منطقه‌ای (آمریکا) از منطقه‌ای واقع در میان ژاپن، چین و ساخالین<sup>۱</sup> تا جنوب تنگه تایوان می‌داند و مایل است سطح بازی و ورود آمریکا به معادلات امنیتی آسیا- پاسیفیک به محدوده‌ای بین مرزهای غربی ایالات متحده تا مرزهای شرقی ژاپن محدود شود (بصیری و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۲-۶۱). به نظر والت، دستیابی دولت‌ها به توانایی نظامی ویژه، آن‌ها را تهدیدزا تر و ثبات سیاسی و انسجام سرزمینی دولت‌های قدرتمند دیگر را با مخاطره مواجه می‌کنند. در این رابطه، نگرانی آمریکا در مورد دریای چین جنوبی صرفاً به دلیل ترس از تشدید احتمالی نظامی در منطقه یا حتی تعهد به متحدان معاهده همکاری و اتحاد نیست؛ بلکه دخالت آمریکا در این مناقشه، تلاشی برای مهار چین در حال صعود است. به عبارت دیگر، صعود نوپای چین به جایگاه یک قدرت منطقه‌ای و جهانی نشان‌دهنده تضاد با نظم جهانی موجود است که هژمونی آمریکا را تهدید می‌کند. مهار چین، پلتفرمی است که توسط دو ستون، یکی ژئوپلیتیک و دیگری ژئواستراتژیک نگه داشته شده است. از نظر ژئوپلیتیکی، مهار چین این کشور را به جایگاه یک قدرت منطقه‌ای کاهش می‌دهد و از نظر ژئواستراتژیک، مهار چین تداوم تسلط هژمونی آمریکا را تضمین می‌کند. این دیدگاه توسط پیتر ناوارو<sup>۲</sup> پشتیبانی می‌شود که بیان می‌دارد: «ایالات متحده رقبای هم‌تا را تحمل نمی‌کند». همان‌طور که واشنگتن در قرن بیستم نشان داد، مصمم است تا تنها هژمونی منطقه‌ای و بین‌المللی باقی بماند؛ بنابراین، می‌توان انتظار داشت که ایالات متحده برای مهار چین تلاش زیادی کند. به گفته ناوارو، نگرانی اصلی آمریکا در آسیا یافتن راه‌حلی برای مناقشه دریای چین جنوبی نیست؛ بلکه ایجاد موازنه در برابر نفوذ فزاینده چین است (Navarro, 2016: 5). چین یک غول اقتصادی و تنها کشوری است که موقعیت هژمون منطقه‌ای ایالات متحده را در منطقه آسیا-اقیانوسیه به چالش می‌کشد. از این‌رو، ایالات متحده با افزایش حضور در شرق

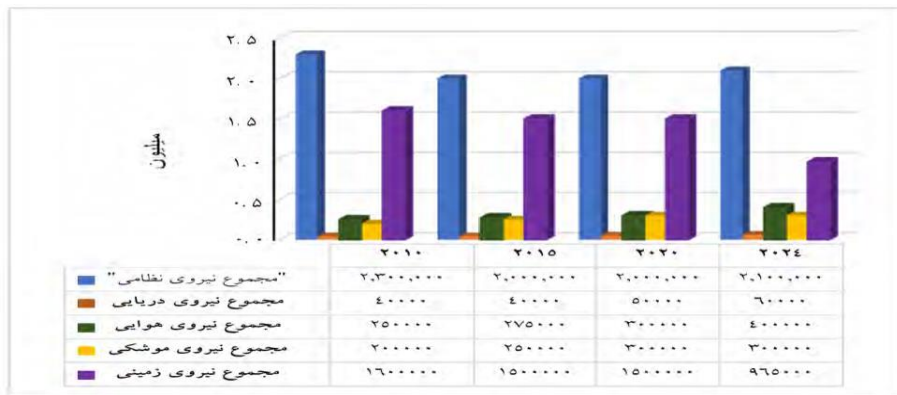
1. Sakhalin

2. Peter Navarro

آسیا و تعمیق اتحادهای امنیتی منطقه‌ای به قاطعیت فزاینده چین در منطقه پاسخ داده است که این امر می‌تواند به افزایش رقابت عظیم تسلیحاتی در منطقه و گسترش تنش‌ها و منازعات در دریای چین جنوبی کمک شایانی بخشد.

تغییرات در موازنه قدرت بین چین و ایالات متحده، بدون شک نگرانی ایالات متحده را در مورد افول خود افزایش داده است. آمریکایی‌ها عموماً چین را به‌عنوان یک رقیب می‌دانند و نگرانی‌های زیادی در مورد گزینه‌های استراتژیک چین دارند. به‌عنوان مثال، اوباما در سخنرانی سال ۲۰۱۱ خود، بارها به موقعیت پیشرو چین در زمینه استفاده از انرژی خورشیدی، تولید رایانه با کارایی بالا و راه‌آهن‌های پرسرعت اشاره کرد. اوباما، با در نظر گرفتن پرتاب اولین ماهواره انسانی توسط اتحاد جماهیر شوروی در نیم قرن بیستم، اعلام کرد که ایالات متحده با «لحظه اسپوتنیک» جدیدی روبه‌رو است؛ بنابراین برای بازگرداندن کنترل آینده، ایالات متحده باید تلاش خود را مضاعف کند (McGreal, 2011: 6). نظم بین‌الملل موجود که پس از ۱۹۴۵ توسط آمریکا و هم‌پیمانانش شکل گرفت، اکنون با ظهور قدرتمند چین و روسیه به‌عنوان دو بازیگر تجدیدنظرطلب و ضد هژمون، به چالش کشیده شده است. آمریکا با ۲۵ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی و قدرت نظامی، علمی و فناوری، قدرت نوآوری و توان شرکت‌های آمریکایی برای حضور در صحنه جهانی برترین قدرت جهانی محسوب می‌شود و چین با ۱۸ تریلیون دلار، در رتبه دوم قرار دارد. امروزه توان مالی و سرمایه‌گذاری و لجستیکی چین، به‌تنهایی هم‌ردیف بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است. مبنای قدرت در جهان، ثروت و مازاد ملی است و هر چه میزان این ثروت و مازاد ملی بیشتر باشد امکان تبدیل آن به قدرت نظامی و سیاسی بیشتر می‌شود. همچنین هر کشوری که بخواهد قدرت جهانی شود؛ باید نیروی دریایی مقتدری را ایجاد کند. چین در ۱۰ سال گذشته سالانه بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیارد دلار در حوزه قدرت نظامی به‌ویژه در نیروی دریایی، زیردریایی و موشک‌های هسته‌ای بین‌قاره‌ای

سرمایه‌گذاری کرده است و در سال ۲۰۲۲ بودجه نظامی این کشور ۶۷ درصد بودجه نظامی آمریکا بوده است (میر کوشش، ۱۴۰۲: ۳-۲).



نمودار ۱: آمار نیروی نظامی چین در بخش‌های مختلف از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ (محمودی برام و ارغوانی پیرسلامی، ۱۴۰۴: ۱۰۱)

در ژوئیه سال ۲۰۱۹، برای اولین بار بعد از چهار سال، جمهوری چین کاغذ سفید جدیدی در مورد دفاع ملی صادر کرد. با این وجود، محتوای کاغذ سفید حاکی از استراتژی توسعه مکان و مناطق اولویت فعالیت آن است. بخش بزرگی از این سند، به اصلاحات ساختاری نیروهای مسلح چین می‌پردازد و قصد دارد قبل از سال ۲۰۵۰، این نیروها را به یک ارتش در سطح جهانی تبدیل کند. از نظر پکن، ایالات متحده در مناطق جهانی «سیاست یک‌طرفه» و «تحریک درگیری بین قدرت‌های بزرگ» را دنبال می‌کند. مقاله سفید به‌طور خاص، منافع ملی پکن در دریای چین جنوبی را مشخص می‌کند: «چین با قاطعیت از حاکمیت ملی و یکپارچگی سرزمینی خود محافظت می‌کند و

جزایر دریای چین جنوبی بخشی جدایی‌ناپذیر از قلمروی چین است. جمهوری خلق چین برای ایجاد زیرساخت و توسعه ظرفیت دفاعی لازم در جزایر و صخره‌های دریای چین جنوبی و همچنین گشت زنی در آب‌های دریای جنوبی چین، حاکمیت ملی خود را اعمال می‌کند» (Mishin, 2021: 161-162). از منظر ایالات متحده، بخشی از سرمایه‌گذاری‌های چین در حوزه نظامی که طیفی از افزایش قابلیت‌های نیروی دریایی و هوایی، افزایش توانایی‌های راداری و سیستم‌های پیشرفته موشکی و تسلیحاتی را در برمی‌گیرد؛ توانایی نظامی چین را به کل منطقه آسیای شرقی گسترش می‌دهد و موشک‌های بالستیک قاره‌پیما و جنگنده‌ها و زیردریایی‌های خریداری‌شده از روسیه، قابلیت‌های این کشور را از آسیا فراتر می‌برد. در همین ارتباط، مقامات واشنگتن بر این اعتقادند که نوسازی و مدرن‌سازی نیروی دریایی و هوایی چین با هدف بسیار مهم و استراتژیکی صورت می‌گیرد که در فرهنگ نظامی از آن به‌عنوان ضدِ دسترسی یاد می‌شود. به اعتقاد آنان، چین می‌خواهد در موقعیتی قرار بگیرد که بتواند از دسترسی ایالات متحده به مناطق دریایی نزدیک به سواحل خود جلوگیری کند (بصیری و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۶-۶۵).

بر اساس مفروضات موازنه تهدید، دولت‌ها از یکدیگر می‌ترسند و همیشه به دیگران با سوءظن نگاه می‌کنند. همه دولت‌ها دارای نوعی قابلیت‌های نظامی تهاجمی هستند که آن‌ها را برای بقای یکدیگر خطرناک می‌کند؛ زیرا می‌توانند یکدیگر را نابود کنند. علاوه بر این، هیچ مرجع متمرکز بالاتری برای محافظت از چین در سیستم بین‌المللی در صورت نیاز به کمک وجود ندارد. در این خصوص، اگر چین می‌خواهد در این محیط هرج‌ومرج زنده بماند، باید به خود کمک کند و امنیت خود را تأمین کند. این جهان خودیاری، دولت‌ها را وادار می‌کند تا توانایی‌های خود را برای زنده ماندن افزایش دهند که منجر به معضل امنیتی و یک مسابقه تسلیحاتی همیشگی می‌شود. بهبود اقدامات امنیتی، صرف‌نظر از نیت تهاجمی، منجر به واکنش سایر کشورها با اقدامات مشابه می‌شود؛ زیرا تلاش برای افزایش امنیت به‌عنوان یک تهدید بالقوه دیده

می‌شود. از سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰، وضعیت دریای چین جنوبی بر اساس ادبیات آکادمیک تحت سلطه قاطعیت و پرخاشگری چینی‌ها بوده است (Feng, 2016: 153-154).

به‌طور کلی، از آنجایی که دولت‌ها نسبت به نیت و میزان قدرت دیگر دولت‌ها در آینده اطمینانی ندارند؛ جست‌وجوی بالاترین حد قدرت که همان هژمونی جهانی است را در پیش خواهند گرفت. در این خصوص، چین نمی‌تواند از انگیزه‌ها و نیت بازیگران و قدرت‌های پیرامونی خود همچون ژاپن، هند و روسیه از یک‌سو و ایالات متحده از سوی دیگر مطمئن باشد؛ لذا علی‌رغم سیاست‌های اعلامی خود مبنی بر توسعه صلح‌آمیز، به‌ناچار راهبرد افزایش قدرت را در پیش گرفته است. لازم به ذکر است که اگرچه چین در سطح نظام بین‌الملل داعیه هژمونی طلبی ندارد؛ اما در حوزه منطقه‌ای، سیاست‌ها و رفتارهایی را در پیش گرفته است که این امر موجب احساس تهدید برای قدرت‌های منطقه و ایالات متحده شده است (وئوئی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۰).

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، چین را به‌عنوان یک قدرت بزرگ تجدیدنظرطلب برای براندازی نظم منطقه‌ای و جهانی معرفی کرده و در این راستا، تعرفه‌های گسترده‌ای را بر کالاهای چینی اعمال کرده است و همچنین بر سرمایه‌گذاری و نفوذ چین در ایالات متحده نظارت می‌کند. این مسئله، آغازگر جدایی نسبی بین دو اقتصاد بزرگ جهان بوده است. دولت ترامپ همچنین، برای اولین بار استراتژی هند-اقیانوس آرام را با هدف متعادل کردن یا حتی مهار نفوذ فزاینده چین در منطقه ارائه کرد (Wei And Zhang, 2021: 159).

واقعیت امر این است که هم‌اکنون چین، یکی از نامزدهای اصلی مقام ابرقدرتی در آینده است که توانایی ایجاد موازنه در برابر آمریکا را خواهد داشت. این کشور تنها قدرت نظام بین‌الملل است که به دلیل دارا بودن عناصر اصلی قدرت که شامل جمعیت، وسعت سرزمین، اقتصاد پویا و نیروی نظامی گسترده می‌شود؛ از توانایی تبدیل به قدرت بزرگی که بتواند هژمونی آمریکا را در نظام جهانی آینده به چالش بکشد برخوردار است. چین با رشد فزاینده اقتصادی و نوسازی نظامی، نگرانی و تشویش خاطر آمریکایی‌ها را برانگیخته است. این کشور به‌وضوح در راه

تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی بزرگ در رقابت با آمریکا و غرب است. تمرکز چین بر ایجاد فناوری های جدید در مقیاس بزرگ، ساخت پروژه های عظیم و حرکت از یک قدرت منطقه ای به یک قدرت بین المللی، در راستای تلاش این کشور برای ایجاد نظم جدید جهانی و تغییر معادلات قدرت به نفع خود قابل ارزیابی است.

#### ۴-۳. سیاست آمریکا برای کنترل و انزوای چین در دریای چین جنوبی

منطقه جنوب شرقی آسیا، واقع در ساحل جنوب شرقی نوار قاره اوراسیا، مستقیماً در مجاورت اقیانوس آرام و اقیانوس هند، دارای منابع طبیعی غنی و خطوط کشتیرانی حیاتی جهان است. این منطقه به عنوان نقطه تلاقی، آمیخته با منافع استراتژیک کشورهای بزرگی مانند آمریکا، چین، روسیه، ژاپن، هند و ... محسوب می شود و همواره، عرصه رقابت برای نفوذ بسیاری از قدرت های بزرگ بوده است که برجسته ترین آن ها آمریکا و چین هستند. آسیای جنوب شرقی، حماسه این رقابت جهانی است و این منطقه، بسیار بیشتر از آن چیزی است که اکثر کشورهای آ. س. آن به رسمیت می شناسند یا به اهمیت آن اعتراف می کنند. این پهنه آبی، به صورت روزافزونی مورد توجه رقابت ایالات متحده و چین قرار گرفته است ( Shambaugh, 2021: 242). در طول جنگ سرد، آسیای جنوب شرقی زمانی موضوع رقابت و کانون داغ رویارویی شرق- غرب، با تسلط و تعامل پیچیده مثلث استراتژیک شوروی- آمریکا- چین بود (Heiduk, 2021: 132). از زمان پایان جنگ سرد، به ویژه از دهه های اول قرن بیست و یک، آسیای جنوب شرقی نه تنها از منظر ژئوپلیتیک و نظامی، بلکه از منظر ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک و فرهنگی نیز در سطح بین المللی اهمیت فزاینده ای پیدا کرده است. آ. س. آن به یک شریک ضروری برای کشورهای بزرگ و سازمان های بین المللی تبدیل شده است که عامل مهمی در ارتقای گفت و گو و فرآیندهای همکاری در سطوح مختلف در آسیای جنوب شرقی، به ویژه هند و اقیانوسیه است. این امر یکی از دلایل اصلی رقابت استراتژیک ایالات متحده و چین برای گسترش نفوذ خود در

آسیای جنوب شرقی در قرن بیست و یک است. در رقابت استراتژیک آمریکا و چین در جنوب شرقی آسیا، دریای چین جنوبی به منطقه‌ای تبدیل شده است که این دو قدرت برای نفوذ به شدت در آن رقابت می‌کنند. چین به طور فزاینده‌ای جاه طلبی خود را برای تبدیل این دریا به «برکه خانگی» نشان می‌دهد و دریای چین جنوبی را «منفعت اصلی» می‌داند. افزایش پتانسیل نظامی چین و رفتار تهاجمی آن در مناقشات ارضی و دریایی در دریای چین جنوبی با چندین کشور آسیای جنوب شرقی از جمله ویتنام، فیلیپین و ... نگرانی بزرگی برای ایالات متحده است و باعث مناقشه آمیزتر شدن روابط آمریکا و چین می‌شود. ایالات متحده و چین، دریای چین جنوبی را به عنوان صحنه اصلی رقابت دریایی و ژئوپلیتیکی خود می‌بینند (Feng And He 2018, 30).

اختلافات دریایی در دریای چین جنوبی، طی ۶۰ سال گذشته ادامه داشته است. شش کشور، مدعی بخش‌های مختلف سه زنجیره جزیره و مناطق دریایی مرتبط با آن‌ها هستند. جزایر اسپراتلی که از بیش از ۲۰۰ جزیره کوچک، صخره‌های مرجانی و دسته‌ها تشکیل شده است، در مرکز تبادلات دیپلماتیک داغ فیلیپین، ویتنام، مالزی، چین و تایوان قرار دارد. این کشورها تا حدودی بر زنجیره جزایر کنترل دارند. همچنین چین، ویتنام و تایوان مدعی جزایر پاراسل هستند. بخشی از این جزایر از دهه ۱۹۵۰ تحت کنترل پکن بوده است و یک نبرد کوتاه با نیروهای ویتنامی در سال ۱۹۷۴ به چین اجازه داد تا کنترل خود را بر کل مجمع‌الجزایر به طور محکم برقرار کند. علاوه بر این، جزیره اسکاربرو شول<sup>۱</sup> محل مناقشه بر سر حق حاکمیت بین چین، فیلیپین و تایوان است (Kenny, 2024: 5). چندین کشور غیر مدعی نیز دریای چین جنوبی را برای منافع ملی خود، حیاتی اعلام کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها ایالات متحده است که به طور سنتی طرفدار جدی اصل آزادی کشتیرانی و احترام به حاکمیت قانون است. ایالات متحده برای نشان دادن تعهد خود به این موارد و همچنین رد آنچه «ادعاهای

---

1. Scarborough Shoal

بیش از حد» سایر کشورها می‌داند، به‌طور دوره‌ای عملیات آزادی ناوبری را در قالب ترانزیت دریایی یا پروازهای هوایی انجام می‌دهد. کشورهای همفکر مانند استرالیا، ژاپن، بریتانیا و فرانسه یا پرچم را با تماس‌های بندری نشان داده‌اند یا عملیات آزادی ناوبری را نیز انجام داده‌اند (And Welch, 2022: 17Raymond). ایالات متحده حمایت خود را از توافقی در مورد یک کُد رفتاری الزام‌آور و سایر اقدامات اعتماد ساز اعلام کرده است؛ زیرا هنوز منافع قابل توجهی در حفظ آزادی عبور و مرور و ایمن سازی خطوط ارتباطی دریایی دارد. ایمن سازی مسیرهای دریایی حیاتی هستند که به تجارت و جابجایی نیروهای دریایی کمک می‌کنند؛ اما ادعاهای چین آن‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد. چین توانایی ارتش خود برای ارباب همسایگان منطقه‌ای را با ساخت تعدادی جزیره در دریای چین جنوبی گسترش داده است. این جزایر دست‌ساز، زیرساخت‌های پیشرفته‌ای مانند اسکله‌های بارگیری، پایگاه‌های دریایی، انبارهای موشکی، سازه‌های پشتیبانی، باند فرودگاه و آنتن‌های ارتباطی ماهواره‌ای را در خود جای داده است (Kenny, 2024: 5).

مناقشات دریای چین جنوبی که به‌عنوان «مادر همه اختلافات سرزمینی» نامیده می‌شود؛ یکی از موضوعات مهم در روابط بین‌المللی اخیر منطقه آسیا و اقیانوسیه است. به دلیل وجود منافع مختلف در سطوح مختلف و اهمیت ژئوپلیتیکی دریا برای منطقه و سایر نقاط جهان، این موضوعات یکی از موارد اختلاف نظر بین چین و ایالات متحده است و ممکن است عنصری کلیدی در آینده روابط چین و آمریکا باشد. با رشد سریع اقتصادی، چین یک قدرت منطقه‌ای بزرگ در آسیا است و نفوذ آن به تدریج در سایر نقاط جهان گسترش می‌یابد. این امر باعث گسترش تنش و درگیری‌ها بین ایالات متحده و چین می‌شود. چین مانند بسیاری از کشورها، با بسیاری از چهارده کشور همسایه خود دارای اختلافات ارضی است؛ اما دریای چین جنوبی در کنار مناقشات دریای چین شرقی، از مواردی هستند که توجه بیشتری را به خود جلب می‌کنند (Temitayo, 2017: 1). رقابت تأثیرگذار آمریکا و چین در دو دهه اول قرن بیست و یک شدیدتر شد؛

زیرا چین به‌طور فزاینده‌ای آرزو دارد تا دریای چین جنوبی را به «حوضچه چینی» تبدیل کند و این دریا را به‌مثابه تایوان، تبت و سین کیانگ در نظر می‌گیرد؛ سرزمین‌هایی که پکن همواره آن‌ها را از چین جدایی‌ناپذیر می‌داند و نیازمند حمایت از این سرزمین‌ها و جزایر به هر قیمتی است. مزایا و پتانسیل بزرگ برای توسعه، جاه‌طلبی‌های بسیاری از قدرت‌ها را برای «کنترل» دریای چین جنوبی تحریک کرده است. دریای چین جنوبی با منابع غنی، به‌ویژه نفت و گاز، اکنون به «نقطه داغ» برای اختلافات میان کشورهای ساحلی و بین‌المللی تبدیل شده است. این سرزمین آبی، نقطه مرکزی بین قصد انحصار و «آزادی دریانوردی» و بین ابتکار کمربند و راه چین و استراتژی هند و اقیانوسیه آمریکا محسوب می‌شود. درواقع، دریای چین جنوبی به‌طور خاص، به یک منطقه رقابتی برای نفوذ سنتی دو قدرت بزرگ جهان امروز، یعنی ایالات متحده و چین تبدیل شده است (Vo et al., 2023: 340-342). ایالات متحده همیشه خود را به‌عنوان یک کشور اقیانوس آرام معرفی کرده است. در نوامبر ۲۰۰۹، باراک اوباما خود را «اولین رئیس‌جمهور آمریکا در اقیانوس آرام» و ایالات متحده را «ملت اقیانوس آرام» معرفی کرد. این ادعا که ایالات متحده «یک کشور اقیانوس آرام است»؛ ابتدا بر واقعیت جغرافیایی استوار است. گسترش سرزمینی در اواخر قرن هجدهم و اواسط قرن نوزدهم، ایالات متحده را از مبدأ خود در امتداد ساحل اقیانوس اطلس در سراسر قاره آمریکای شمالی به سواحل اقیانوس آرام آورد (Limaye, 2012: 4)؛ بنابراین، سیاست ایالات متحده در قبال چین به‌تدریج از «شریک استراتژیک» در زمان بیل کلینتون به «رقیب مستقیم» در منطقه در دوران جورج دبلیو بوش، باراک اوباما و دونالد ترامپ تغییر کرد. از سوی دیگر، پروفیسور کارلایل آ. تایر<sup>۱</sup>، از آکادمی نیروی دفاعی استرالیا، تأکید کرده است که: «رفتار تهاجمی و تنش‌های دیپلماتیکی که چین همچنان به حفظ آن ادامه می‌دهد؛ تهدیدی برای منزوی نگه‌داشتن دیپلماتیک و

---

1. Carlyle A. Thayer

تضعیف قدرت نرمی است که پکن در سال‌های اخیر ایجاد کرده است» (Vo et al., 2023: 347).

علی‌رغم عدم ادعای حاکمیت ارضی ایالات متحده در دریای چین جنوبی، رد پای منطقه‌ای این کشور عمیق است. روابط نزدیک واشنگتن با چندین کشور مدعی، استقرار قابل توجه نیروها، مشارکت فعال در قالب‌ها و نهادهای مختلف گفتگوی منطقه‌ای، نقش رهبری پکن در چندین کشور و تمرینات و عملیات نظامی منطقه‌ای را می‌توان در این رابطه دانست. به همین ترتیب، دولت اوپاما در سال ۲۰۱۱ استراتژی تعادل مجدد ایالات متحده در شرق آسیا را با هدف حفظ یا حتی گسترش موقعیت برجسته واشنگتن در شرق و جنوب شرق آسیا اعلام کرد. با این حال، برخورد دو قدرت بزرگ جهان در منطقه دریای چین جنوبی، به‌طور قابل توجهی به دامنه اختلافات و سطح تنش‌ها میان طرفین بستگی دارد. مسئله اساسی‌تر، مربوط به توازن کلی در حال تغییر قدرت منطقه‌ای و همچنین جهانی به نفع چین و به ضرر ایالات متحده، در طول دهه‌های گذشته است. این تغییر با بحران اقتصادی جهانی در سال ۲۰۰۸ تسهیل شد که ایالات متحده را بسیار بیشتر از جمهوری خلق چین تحت تأثیر قرار داد. درحالی‌که چین حداقل نه از نظر توانایی سیاسی و نه از لحاظ ظرفیت نظامی، هنوز به‌عنوان یک هژمون منطقه‌ای جایگزین ایالات متحده نشده است؛ اما به‌طور فزاینده‌ای موقعیت منطقه‌ای واشنگتن را به چالش می‌کشد و در نتیجه هزینه‌های همکاری منطقه‌ای ایالات متحده را افزایش می‌دهد و گسترش قلمروی منطقه‌ای واشنگتن را محدود می‌کند (Groten, 2019: 15). برخی از محققان چینی اذعان می‌دارند که یکی از اهداف مهم استراتژی محوری یا تعادل مجدد ایالات متحده، استفاده از اختلافات دریای چین جنوبی در جهت حفظ برخی آزادی‌های ناوبری یا هنجارهای حل منازعه نیست؛ بلکه به مهار رشد بین‌المللی گسترده‌تر چین نیز مربوط می‌شود (Fravel & Miura, 2020: 172). چین به دنبال گسترش نفوذ در آب‌های دریای چین جنوبی، متناسب با قدرت اقتصادی و نظامی رو به رشد خود است و از این طریق، درصد دست‌یابی به قدرت هژمون در

آسیا- اقیانوسیه برآمده است که این موضوع تهدیدی استراتژیک برای کشورهای منطقه و ایالات متحده محسوب می‌شود. از این رو، مقامات واشنگتن با تهدید سازی از جایگاه چین در دریای چین جنوبی، به توسعه روابط با کشورهای ساحلی مبادرت ورزیده‌اند و با مشارکت در رزمایش‌های نظامی در منطقه، در جهت کاهش قدرت چین و انزوای آن در منطقه گام برمی‌دارند. این امر می‌تواند به توسعه رقابت‌ها در شرق آسیا و تغییر موازنه قدرت به ضرر پکن در منطقه منجر شود. در این رابطه، والت بر این باور است که دولت‌ها در نظام آنارشیک به جای موازنه در برابر قدرت و توانمندی‌های اقتصادی و نظامی یکدیگر، در برابر تهدیدات و آنچه تهدید تلقی می‌کنند با یکدیگر متحد می‌شوند. هم‌اکنون این احساس در چین وجود دارد که توازن قوا در منطقه، به نفع آن‌ها در حال تغییر است و آن‌ها نباید این فرصت را از دست بدهند. برگزاری موفقیت‌آمیز «بازی‌های المپیک» در سال ۲۰۰۸، ملی‌گرایی آن‌ها را بیشتر تقویت کرده است. چینی‌ها نسبت به حاکمیت ارضی و تمامیت ملی خود حساس‌تر هستند. آن‌ها فکر می‌کنند که حفاظت از حاکمیت کشور برای تقویت قدرت همه‌جانبه چین برای اکتشافات دریایی مهم است. این حس رشد یافته ناسیونالیسم را می‌توان در قوانین، کتب درسی و سایر اسناد رسمی چین نیز مشاهده کرد. علاوه بر این، رهبری چین در مناسبت‌های مختلف بر لزوم اتحاد ملی با توجه به ادعای ارضی خود تأکید کرده است. مسئله تایوان، مسیر گسترش یافته تجاری، قصد آماده‌سازی چین برای قابلیت ضربه دوم هسته‌ای و نیاز فزاینده به انرژی وارداتی برای تقویت صنعت داخلی خود، برخی دیگر از عوامل مهمی هستند که چینی‌ها را به پیشبرد صنعت دریایی خود ترغیب می‌کند ( Rahman & Tsamenyi, 2010: 319). بدین ترتیب می‌توان گفت؛ افزایش قابلیت‌های نظامی نیروی دریایی چین که در پی افزایش ثروت و قدرت اقتصادی این کشور محقق شده است، چین را در مسیر تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ دریایی در مقیاس جهانی قرار داده است. این موضوع، پکن را قادر کرده است تا تفوق ایالات متحده را در پهنه وسیعی از آب‌ها در دریای شرقی و جنوبی چین به چالش کشیده و به‌طور روزافزونی ثروت

فزاینده اقتصادی خود را برای تولید ابزارهای دفاعی برای عقب راندن آمریکا از منطقه صرف کند. از این‌رو، مقامات واشنگتن در مواجهه با صعود قدرت چین در آسیا-اقیانوسیه، سیاست امنیتی‌سازی جایگاه و نقش پکن در منطقه را دنبال می‌کنند.

ایالات متحده، ترتیبات دفاعی خود را با فیلیپین افزایش داده است. بر اساس معاهده دفاع متقابل ۱۹۵۱، فیلیپین، متحد ایالات متحده است. ماده ششم این معاهده مکانیسمی را برای دو کشور فراهم می‌کند تا در صورت حمله مسلحانه به قلمروی شهری هر یک از طرفین، یا به سرزمین‌های جزیره‌ای تحت صلاحیت فیلیپین در اقیانوس آرام، یا نیروهای مسلح، کشتی‌های مشترک یا هواپیماهای فیلیپین در اقیانوس آرام، ایالات متحده به حمایت از مانیل پردازد. اگرچه بحث در مورد این‌که آیا دریای چین جنوبی بخشی از تعهدات ایالات متحده تحت این معاهده است، وجود دارد؛ اما به نظر می‌رسد اوپاما در سفر خود به فیلیپین در ماه مه ۲۰۱۴ این موضوع را به‌وضوح بیان کرد: «... تعهد ما به دفاع از فیلیپین، آهین است و ایالات متحده این تعهد را حفظ خواهد کرد؛ زیرا متحدان هرگز تنها نمی‌مانند» (Sinaga, 2015: 140-144). در سال ۲۰۱۷، جیمز متیس<sup>۱</sup>، وزیر دفاع سابق آمریکا، برخی از پیامدهای طرح خدمات ملی ایالات متحده را که در اواخر همان سال منتشر شد، پیش‌بینی کرد و گفت: «ما نمی‌توانیم اقدامات چین را بپذیریم که به منافع جامعه بین‌المللی ضربه می‌زند و نظم مبتنی بر قوانین را تضعیف می‌کند». یک صدای مهم در شکل دادن به دیدگاه‌های دولت ایالات متحده در قبال دریای چین، دریاسالار هری هریس<sup>۲</sup>، رئیس فرماندهی اقیانوس آرام است. در مارس ۲۰۱۵، هریس اندکی قبل از این‌که رئیس فرماندهی اقیانوس آرام ارتش آمریکا شود؛ احیای زمین چین را به‌عنوان یک «دیوار شنی بزرگ» توصیف کرد که «سؤالات جدی در مورد نیت چینی» ایجاد کرد. هریس در نوامبر ۲۰۱۵، در

---

1. James Mattis  
2. Harry Harris

سخنرانی در انجمن هالیفاکس در کانادا، رفتار چین را با نظم بین‌المللی مرتبط کرد: «ما به چین - یا هر کشور دیگری - مجوز رایگان برای از بین بردن معماری امنیتی مبتنی بر قوانین که به نفع همه ما از جمله چین بوده است، نخواهیم داد». در آوریل ۲۰۱۷، هریس همچنین در یک سخنرانی در شورای امور خارجی شیکاگو، با بیان این که «ما در رقابت استراتژیک با چین هستیم»، طرح خدمات ملی واشنگتن را پیش‌بینی کرد: «بیاید این وضعیت را بپذیریم و با چین واقع‌بینانه برخورد کنیم؛ همان‌طوری که هست». در اکتبر همان سال، هریس اقدامات چین در دریای چین جنوبی، به‌ویژه احیای زمین و ساخت جزایر مصنوعی را به‌عنوان «استفاده از قدرت نظامی و اقتصادی خود برای از بین بردن نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین» توصیف کرد. موضوعی که وی در سخنرانی‌ها و شهادت‌ها در برابر کنگره در سال آینده هم تکرار کرد ( deLisle & Goldstein, 2021: 169-170). چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای در حال رشد است و در تلاش است تا به تدریج، جایگزین ایالات متحده در منطقه و بین‌الملل شود. این وضعیت ممکن است اعتبار و تعهدات ایالات متحده را در قبال متحدانش در شرق آسیا تضعیف کند. از این‌رو، ایالات متحده در تلاش است تا نفوذ روزافزون چین را تضعیف کند و از این طریق، موازنه قدرت را در سطح منطقه به ضرر پکن تغییر و حفظ کند که این موضوع باعث افزایش تنش‌ها و هر چه پیچیده‌تر شدن معادلات منطقه می‌شود.

به‌طور سنتی، موضوع دریای چین جنوبی روی میز مذاکره بین ایالات متحده و چین نبوده است. با این حال، در سال‌های اخیر تنش بین ایالات متحده و چین بر سر دریای چین جنوبی، به تدریج در سطح استراتژیک برجسته شده است. نیروی دریایی ایالات متحده، اولین عملیات آزادی ناوبری خود در دریای چین جنوبی را در اکتبر ۲۰۱۵ در ۱۲ مایل دریایی از صخره‌های سوبی<sup>۱</sup> و میشیف<sup>۲</sup> آغاز کرد که چین در ۲۷ اکتبر همان سال پروژه احیای زمین در جزایر مورد مناقشه اسپراتلی را انجام داد. در

---

1. Sobi  
2. Mishif

سال ۲۰۱۶، ایالات متحده عملیات آزادی ناوبری بیشتری در جزایر پاراسل و اسپراتلی انجام داد. همان‌طور که نیویورک‌تایمز می‌گوید: هدف اصلی عملیات آزادی ناوبری ایالات متحده «به چالش کشیدن جاه‌طلبی‌های پکن در دریای چین جنوبی» است؛ زیرا پروژه‌های احیای زمین چین در دریای چین جنوبی «تلاش‌ها برای مدیریت و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات ارضی و دریایی» را مختل می‌کند (Feng & He, 2018: 1). دولت ترامپ، اولین عملیات آزادی ناوبری را در ۲۴ مه ۲۰۱۷ انجام داد (Anwar, 2017: 47). علاوه بر این، در ۱۲ نوامبر ۲۰۱۷ ایالات متحده، هند، ژاپن و استرالیا گفتگوی امنیتی چهارجانبه موسوم به کواد<sup>۱</sup> را برای تحقق استراتژی هند و اقیانوس آرام دولت واشنگتن برای کنترل جاه‌طلبی‌های چین در طرح کمر بند و جاده، احیا کردند. برای آمادگی مقابله با اقدامات ایالات متحده در دریای چین جنوبی، در ۴ ژانویه ۲۰۱۹، کمیسیون مرکزی نظامی چین کنفرانس کار نظامی را در پکن برگزار کرد. در این نشست، شی جین پینگ<sup>۲</sup>، رئیس‌جمهور چین، اعلام کرد که چین باید برای مقابله با اقدامات جنگی آماده باشد. همچنین در این کنفرانس، سرهنگ دوی هوکر<sup>۳</sup>، مدیر مؤسسه همکاری دریایی و تحقیقات امنیتی چین، پیشنهاد داد که ارتش آزادی‌بخش خلق چین باید آماده باشد تا از اعمال آزادی دریانوردی توسط کشتی‌های جنگی ایالات متحده در دریای چین جنوبی جلوگیری کند (Vo et al., 2023: 346).  
 والت استدلال می‌کند که اگر کشوری قصد بر هم زدن امنیت و موازنه را داشته باشد، کشورها بایستی جهت کسب امنیت، اقدام به افزایش قدرت و دستیابی به موازنه جدید کنند که غالباً در انعقاد پیمان‌نامه‌های دفاعی - امنیتی نمود پیدا می‌کند (نجم‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۸). در واقع، احتمال درگیری نظامی در دریای چین جنوبی همیشه زیاد است و هرگونه درگیری می‌تواند تعادل منطقه را مختل کند. این درگیری‌های

- 
1. Quad
  2. Xi Jinping
  3. Duey Hooker

احتمالی، بر تجارت و ذخایر انرژی که برای کشورهای جنوب شرقی آسیا ضروری است، تأثیر خواهد گذاشت. با کاهش تلاش‌های مشترک و درگیر شدن کشورهای منطقه در مناقشات ارضی، پیامدهای سیاسی نیز وجود خواهد داشت. در این میان، پیامدهای ثانویه از منطقه به روابط بین‌الملل گسترش خواهد یافت و قدرت‌های جهانی مانند ایالات متحده و چین که به دنبال منافع خود هستند، می‌توانند بر چارچوب‌های مالی و امنیتی جهانی تأثیر بگذارند (Nguyễn et al., 2024: 15). این مسئله ضمن تأثیرگذاری بر اقتصاد و امنیت منطقه‌ای، چشم‌انداز صلح و ثبات را در شرق آسیا تیره‌وتار خواهد کرد. دریای چین جنوبی در چند سال اخیر، عرصه درگیری بین ایالات متحده و چین بوده است. هر دو کشور با توجه به پتانسیل اقتصادی آن، اهمیت زیادی برای این پهنه آبی قائل هستند. سیاست ایالات متحده در دریای چین جنوبی، در دولت ترامپ تهاجمی شده و هدف آن، به چالش کشیدن ادعاهای حقوقی پکن در دریای جنوبی چین و مهار جاه‌طلبی‌های چین در منطقه است. در این صورت، چین به دنبال ایجاد پایگاه‌های نظامی در منطقه دریای چین جنوبی برای توسعه قدرت دریایی خود است که این امر، تهدیدی اساسی برای کشورهای ساحلی و از جمله ایالات متحده به حساب می‌آید. از این‌رو، دور از انتظار نیست اگر گفته شود که منطقه آسیا-اقیانوسیه، به عرصه رقابت قدرت‌های بزرگ تبدیل خواهد شد.

### فرجام سخن

دریای جنوبی چین، نه تنها برای کشورهای آسیای جنوب شرقی بلکه برای تمام جامعه بین‌المللی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آب‌های این دریا یکی از راه‌های مهم کشتیرانی جهان است. بر اساس مطالعات ژئوپلیتیکی، دریای جنوبی چین به صورت بالقوه سرشار از منابع انرژی، شامل نفت و گاز طبیعی است. این دریا، منبع اساسی هیدروکربن برای کشورهای در حال توسعه مشتاق انرژی منطقه است. رفتار تهاجمی

چین در احیای گسترده ارضی و گشت زنی در دریای چین جنوبی، تهدیدی راهبردی برای کشورهای ساحلی و ایالات متحده محسوب می‌شود. چین دریای جنوبی را نظامی‌سازی کرده و از نیروی گارد ساحلی و شبه‌نظامیان دریایی برای ایجاد مزاحمت نسبت به کشتی‌های متحدان آمریکا استفاده می‌کند. همچنین چین، عملیات نفوذ و حملات سایبری علیه تایوان و دیگر متحدان آمریکا به راه انداخته و زیرساخت‌های حیاتی آمریکا را هدف قرار داده است تا توانایی خود در مختل کردن خدمات ضروری را نشان دهد و واشنگتن را از مداخله در منازعات منطقه‌ای باز دارد. تحکیم جایگاه چین در توازن قدرت بین‌المللی، یکی از اولویت‌های اصلی این کشور بوده است. از این‌رو، در همان دهه‌های اولیه پسا جنگ سرد، پکن از لزوم تغییر در توزیع قدرت بین‌المللی سخن به میان آورد. در این مسیر با توجه به شرایط تک‌قطبی نظام بین‌الملل، یکی از اولویت‌های عمده سیاست رقابتی و موازنه‌جویانه چین، برقراری موازنه در برابر آمریکا به‌عنوان تنها قطب نظام بین‌الملل بوده است. در این استراتژی کلان، قدرت‌نمایی در زنجیره جزایر و دست‌یابی به برابری با قطب برتر در ابعاد مختلف به‌عنوان یک مؤلفه کانونی از سوی چین دنبال شد. در نتیجه این تلاش‌ها، نه‌تنها توانمندی‌های نظامی چین در ابعاد مختلفی با ایالات متحده برابری می‌کند؛ بلکه دامنه استراتژی قدرت‌نمایی این کشور در زنجیره‌های جزایر نیز توسعه و گسترش یافته است که این موضوع تهدیدی استراتژیک برای جایگاه بین‌المللی واشنگتن به شمار می‌رود. از سویی، از آنجایی که چین دومین اقتصاد جهان بر اساس تولید ناخالص داخلی و دارای بزرگ‌ترین ارتش جهان است، نگرانی آمریکا از اقدامات چین در راستای افزایش مؤلفه‌های قدرت خود باعث شده است که یک رقابت استراتژیک در بین دو کشور شکل بگیرد و در این راستا، واشنگتن ضمن بازتعریف از منافع ملی خود در برابر چین، به دنبال افزایش همکاری‌های اقتصادی، استراتژیک و دفاعی با کشورهای ساحلی باشد؛ بنابراین، افزایش قدرت چین الزامات رفتاری خاصی را برای ایالات متحده ایجاد کرده است و

ترس از نفوذ و قدرت‌یابی چین باعث شده است که واشنگتن در استراتژی کلان خود سیاست مهار و کاهش قدرت چین در شرق آسیا را اعمال کند. سیاست قاطعانه پکن در منطقه و همچنین، واکنش کشورهای ساحلی و ایالات متحده نسبت به جاه‌طلبی‌ها و پرخاشگری چینی‌ها، می‌تواند به ایجاد مسابقه عظیم تسلیحاتی و گسترش تنش‌ها و منازعات در منطقه منجر شود.

اگرچه ایالات متحده حضور خود در این منطقه را با هدف دفاع از عملیات آزادی دریانوردی توجیه می‌کند؛ اما در واقع، هدف اصلی واشنگتن از مداخله و حضور در منطقه دریای چین جنوبی در پاسخ به افزایش روزافزون قدرت و نفوذ منطقه‌ای چین است که این مسئله تهدیدی راهبردی برای موقعیت و جایگاه هژمونی واشنگتن در هرم توزیع قدرت جهانی محسوب می‌شود؛ زیرا چین نشان داده است که با برخورداری از سرزمین وسیع، جمعیت زیاد، تاریخ چند هزارساله، قدرت اقتصادی و نظامی که به سرعت در ابعاد راهبردی در حال رشد است، تمامی ظرفیت‌ها و ابزارهای لازم را برای تبدیل شدن به یک قدرت هژمون جهانی دارا است. ظهور و قدرت‌یابی چین به‌عنوان یک قدرت نوظهور در منطقه، باعث شده است که آمریکا جهت مهار و انزوای پکن در منطقه به دنبال ائتلاف و گسترش همکاری با کشورهای مخالف ظهور چین در شرق آسیا باشد؛ بنابراین، بر طبق نظریه والت، کشورها به دنبال توازن دادن به هر قدرتی نیستند بلکه آن‌ها در پی توازن بخشی در مقابل کشوری هستند که افزایش قدرت آن تهدید محسوب می‌شود.

واقعیت امر این است که ایالات متحده و چین به‌عنوان دو قدرت جاه‌طلب، جنوب شرق آسیا را مکانی کلیدی برای افزایش نفوذ و منافع چندوجهی خود می‌دانند. چین درگیر احیای گسترده زمین، ایجاد زیرساخت‌های نظامی و گشت زنی در مناطق مورد مناقشه شده است که این امر منجر به تنش با سایر کشورهای مدعی حاکمیت ارضی شده و انتقادات بین‌المللی را نیز به دنبال داشته است. در این میان، اقدامات تهاجمی و

توسعه طلبانه چین در دریای چین جنوبی، تهدیدی استراتژیک برای کشورهای همسایه چین و ایالات متحده محسوب می شود. لذا ایالات متحده با تهدید سازی از چین، نیروها و تجهیزات نظامی خود را در سال های اخیر در حوزه اقیانوس آرام تقویت کرده است تا بدین ترتیب، ضمن افزایش حضور و تقویت مناسبات با متحدان منطقه ای، خود را برای مقابله با تهدیدهای ناشی از توسعه و افزایش قدرت نظامی پکن در شرق آسیا آماده کند. امروزه جهان شاهد تغییراتی در نظام بین الملل، با توجه به روند روبه رشد چین در این نظام است و می توان گفت این تغییرات با شتاب در حال رخ دادن هستند. در نتیجه با در نظر گرفتن تلاش های بی وقفه پکن در مدیریت روابط بین الملل در طول چند دهه گذشته و توسعه قدرت روزافزون آن، باید گفت که راهبرد موازنه سازی واشنگتن در دریای چین جنوبی نتوانسته است به طور مؤثر، رفتار چین را کنترل و مهار کند و این موضوع تقریباً به امری غیرممکن برای آمریکایی ها تبدیل شده است.

### منابع

- آجورلو، محمدجعفر و حسین پور دستکی، ابوذر (۱۳۹۳). تبیین ابعاد تأثیرگذاری نظامی شدن دریای خزر بر امنیت ملی ج. آ. ایران. *فصلنامه راهبرد دفاعی*، ۱۲(۴۸)، ۱۵۰-۱۱۹.
- آفتاب، احمد و هوشمند، اکبر (۱۳۹۷). تدوین راهبردهای دفاعی - امنیتی در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی با رویکرد آمایش سرزمین. *فصلنامه راهبرد دفاعی*، ۱۶(۶۳)، ۱۸۷-۱۵۳.
- بصری، محمدعلی و موسوی، سید حسام الدین و رعیتی نژاد، محمدعلی (۱۳۹۱). خیزش نظامی چین، آمریکا و موازنه آسیایی. *فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل*، ۱(۴)، ۸۴-۵۳.
- درج، حمید (۱۴۰۲). تهدیدات روزافزون آمریکا در خلیج فارس و کش ها و اقدامات ضد هژمون ایران. *فصلنامه مطالعات بین المللی*، ۱۹(۷۶)، ۱۳۴-۱۱۷.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۹۵). اسناد «دانشگاه تهران» نقطه امید چین برای اثبات مالکیت بر دریای جنوبی. ۲۸ خرداد، آدرس اینترنتی: <https://www.irna.ir/news/82115608/>
- رحیمی، بهمن و همکاران (۱۴۰۱). طرح راهبردی مقابله با نفوذ امنیتی - اطلاعاتی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آراء و اندیشه امام خامنه ای (مدظله). *فصلنامه امنیت ملی*، ۱۲(۴۳)، ۶۶-۳۳.

- رکابیان، رشید و دلاور، حسین (۱۴۰۳). توافقنامه امنیتی چین با جزایر سلیمان: گسترش دامنه قدرت‌نمایی در زنجیره جزایر. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۲۰(۸۰)، ۲۷-۷.
- عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی و رضانی، احمد (۱۳۹۶). سیاست چین در دریای جنوبی؛ سیاست قدرت و نفوذ دریایی. *فصلنامه سیاست جهانی*، ۶(۲)، ۸۴-۵۹.
- محمودی برام، آرزو و ارغوانی پیرسلامی، فریبرز (۱۴۰۴). مکتب مهار در سیاست چینی ایالات متحده آمریکا: تبیینی از منظر موازنه تهدید. *فصلنامه سیاست جهانی*، ۱۴(۲)، ۱۱۳-۸۳.
- محمودی کیا، محمد (۱۴۰۲). منافع ملی و راهبرد مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ رویکردی تقابلی یا هم‌افزا؟. *فصلنامه دانش سیاسی*، ۱۹(۳۷)، ۲۵۶-۲۳۹.
- میرکوشش، هوشنگ (۱۴۰۲). جنگ اوکراین و آینده نظم بین‌الملل: نقش چین در جنگ اوکراین. *مجله ایرانی روابط بین‌الملل*، آدرس اینترنتی: <https://www.iirjournal.ir/834>
- نجم‌آبادی، مرتضی و بخشی، رامین و زرنگار، احسان (۱۳۹۸). «جنگ به ضرورت تهدید بقا و عدم حمله نظامی آمریکا به ایران»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، ۱۴(۴۶)، ۱۰۲-۷.
- وثوقی، سعید و رستمی، امیرحسین و یزدانی، عنایت‌الله (۱۳۹۷). تأثیر قدرت‌یابی چین بر روابط و رقابت با آمریکا. *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۴(۳۰)، ۳۸-۷.
- هراتی، محمدجواد و جلال پور، حسن (۱۴۰۰). واکاوی زمینه‌های شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس در برابر ایران بر اساس نظریه موازنه تهدید استفان والت. *فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل*، ۹(۵)، ۹۷-۸۱.

## References

- Abbaszadeh Fathabadi, M., & Ramezani, A. (2017). China's Policy in the South Sea: The Politics of Power and Maritime Influence. *Journal of World Politics*, 6(2), 59-84. [in Persian]
- Aftab, A., & Houshmand, A. (2018). Formulation of defense-security strategies in the border areas of West Azerbaijan Province with a land-use planning approach. *Defense Strategy Quarterly*, 16(63), 153-187. [In Persian]
- Ajurloo, M. J., & Hosseinpour Dastaki, A. (2014). Explanation of the Dimensions of the Impact of the Militarization of the Caspian Sea on the National Security of the Republic of Iran. *Journal of Defense Strategy*, 12(48), 119-150. [in Persian]
- Anwar, M. W. (2017). The Changing Contours of Maritime Security in the South China Sea. *CISS Insight Journal*, 5 (2), 41-60
- Basiri, M. A., & Mousavi, S. H. & Raeiti-nejad, M. A. (2012). The Military Rise of China, America and the Asian Balance. *Journal of International Relations Research*, 1(4), 53-84. [in Persian]

- Cai, P. (2017). The South China Sea: Troubled Waters in China-U.S. Relations. *China Quarterly of International Strategic Studies*, 3(2), 283-298
- deLisle, J., & Goldstein, A. (2021). *After Engagement Dilemmas in US-China Security Relations*. Brookings Institution Press.
- Dorj, H. (2023). America's Growing Threats in the Persian Gulf and Iran's Counter-Hegemonic Actions and Measures. *Journal of International Studies*, 19(76), 117-134. [in Persian].
- Feng, H., & He, K. (2018). *US-China Competition and the South China Sea Disputes*. Routledge.
- Feng, L. (2016). China's Security Strategy towards East Asia. *The Chinese Journal of International Politics*, 9 (2), 79-151.
- Fravel, M. T. And Miura, K. (2020). Stormy Seas: The South China Sea in US-China Relations. *MIT Security Studies Program*, 12(4), 155-183.
- Groten, D. (2019). *How Sentiment Matters in International Relations: China and the South China Sea Dispute*. Verlag Barbara Budrich.
- Hà, T. B. (2015). Vị trí địa chính trị của Việt Nam với đường lối quốc phòng. *Quân đội nhân dân*, <https://www.qdnd.vn/phong-chong-dien-bien-hoa-binh/vi-tri-dia-chinh-tri-cua-viet-nam-voi-duong-loi-quoc-phong-258331>
- Hanh, N. (2022). 39 máy bay Trung Quốc đi vào ADIZ của Đài Loan. *Báo Tuổi Trẻ*, Available at: <https://tuoitre.vn/39-may-bay-trung-quoc-di-va-ao-adiz-cua-dai-loan-20220124111929487.htm>
- Harati, M. J., & Jalalpour, H. (2021). Analyzing the Backgrounds of the Formation of the Persian Gulf Cooperation Council Against Iran Based on Stephen Walt's Balance of Threat Theory. *Journal of Politics and International Relations*, 5(9), 81-97. [in Persian]
- Heiduk, F. (2021). *Asian Geopolitics and the US-China Rivalry* (Routledge Studies on Think Asia). New York: Routledge.
- Islamic Republic News Agency (2016). Documents of the "University of Tehran" China's Hope Point for Proving Ownership of the South Sea. 17 June, Internet address: <https://www.irna.ir/news/82115608/>. [In Persian]
- Kenny, M. (2024). Territorial disputes in the South China Sea. *Britannica*, 25 Dec, Available at: <https://www.britannica.com/topic/territorial-disputes-in-the-South-China-Sea>
- Limaye, S. (2012). The US as a Pacific Nation" (US, Asia, and the World: 1914-2012). *Education About Asia*, 17 (3), 4-7.
- Mahmoudi-Baram, A., & Arghavani Pirsalami, F. (2025). The containment school in the US China policy: An explanation from the perspective of the balance of threats. *Journal of World Politics*, 14(2), 83-113. [In Persian]

- Mahmoudi-Kia, M. (2023). National interests and the strategy of resistance in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran; A confrontational or synergistic approach? *Journal of Political Science*, 19(37), 239-256. [In Persian]
- Mehboob, S. (2018). Sino-US Geostrategic Competition in the South China Sea: Contextualising Rivalries, Interests, and Strategies. *Orient Research Journal of Social Sciences*, 3(2), 204-218
- McGreal, C. (2011). Obama's State of the Union Address: US Must Seize 'Sputnik Moment'", *The Guardian*, Available at: <https://www.theguardian.com/world/2011/jan/26/state-of-the-union-address-obama-sputnik-moment>
- Mirkooshesh, H. (2023). The Ukrainian War and the Future of the International Order: China's Role in the Ukrainian War. *Iranian Journal of International Relations*, Internet address: <https://www.iirjournal.ir/834>. [In Persian]
- Mishin, I. (2021). U.S. Policy in the South China Sea During the Presidency of D. Trump. *Journal Of Russian Politics & Law*, 58, 3-4, 155-172
- Najmabadi, Morteza, and Bakhshi, Ramin, and Zarnegar, Ehsan (2019). War as a Necessity Threat to Survival and the Non-Attack of the US on Iran, *Journal of Political Science*, 14(46), 102-7. [In Persian]
- Navarro, P. (2016). Mearsheimer on Strangling China and the Inevitability of War. *Huffpost*, Available at: [https://www.huffingtonpost.com/peter-navarroand-greg-autry/mearsheimer-on-strangling\\_b\\_9417476.html](https://www.huffingtonpost.com/peter-navarroand-greg-autry/mearsheimer-on-strangling_b_9417476.html)
- Nguyễn, A. C., & Pham, M. T., & Nguyễn, V. H., & Trần, B. H. (2024). Explaining the increase of China's power in the South China Sea through international relation theories. *Cogent Arts & Humanities*, 11(1), 1-17.
- Peng, J., & Shi, J. (2020). A Critical Assessment of China's Role in the South China Sea Dispute. *Journal of Politics and Law*, 13(4), 169-180.
- Rahimi, B., et al. (2014). Strategic Plan to Counteract US Security-Information Influence in the Islamic Republic of Iran with Emphasis on the Opinions and Thoughts of Imam Khamenei (Ayatollah). *Journal of National Security*, 12(43), 33-66. [In Persian]
- Rahman, C., & Tsamenyi, M. (2010). A Strategic Perspective on Security and Naval Issues in the South China Sea. *Ocean Development & International Law*, 41(4), 315-333.
- Raymond, M., & Welch, D. A. (2022). What's Really Going on in the South China Sea? *Journal of Current Southeast Asian Affairs*, 14(2), 1-23.

- Rekabian, R., & Delavar, H. (2024). China's Security Agreement with the Solomon Islands: Expanding the Scope of Power Display in the Island Chain. *Journal of International Studies*, 20(80), 7-27. [In Persian]
- Rubioloa, M. F. (2020). The South China Sea Dispute: A Reflection of Southeast Asia's Economic and Strategic Dilemmas (2009-2018). *Journal of Revista de Relaciones Internacionales, Estrategia y Seguridad*, 15(2), 115-130
- Saha, P. (2020). US-China tensions and its impact on the South China Sea dispute. *Observer Research Foundation*, 23 Sep, available at: <https://www.orfonline.org/expert-speak/us-china-tensions-impact-south-china-sea-dispute>
- Schrag, J. (2017). How Much Trade Transits the South China Sea? *ChinaPower Project*, <https://chinapower.csis.org/much-trade-transits-south-china-sea/>
- Shambaugh, D. (2021). *Where Great Powers Meet: America and China in Southeast Asia*. New York: Oxford University Press.
- Shoji, T. (2012). Vietnam, ASEAN, And the South China Sea: Unity or Diverseness? *NIDS Journal of Defense and Security*, 13(18), 1-20.
- Sinaga, L. C. (2015). China's Assertive Foreign Policy in South China Sea Under Xi Jinping: Its Impact on United States and Australian Foreign Policy, *Journal of ASEAN Studies*, 3(2), pp. 133-149.
- Temitayo, O. (2017). Us- China's Disagreement over South China Sea Issues: A Race for Control? An Analysis through Realism's Lens. *European – American Journals*, Available at: <https://ejournals.org/ijirmmcs/vol-3-issue-3-july-2017/us-chinas-disagreement-south-china-sea-issues-race-control-analysis-realisms-lens/>
- Thayer, C. A. (2010). *Southeast Asia: Patterns of Security Cooperation*. Australia: Australian Strategic Policy Institute, 1-76.
- Turkes, H. (2018). The South China Sea 'major trade route for crude oil. *Anadolu Agency*, Available at: <https://www.aa.com.tr/en/energy/general/south-china-sea-major-trade-route-for-crude-oil-/21401>
- Vo, H. & Nguyen, B., & Tran, H., & Bui, T. (2023). US-China rivalry in Southeast Asia region: a study on the South China Sea case. *Journal of Liberty and International Affairs*, 9(1), 336-351.
- Vosoughi, S., & Rostami, A., & Yazdani, E. o. (2019). The Impact of China's Empowerment on Relations and Competition with the United States. *Journal of International Relations Research*, 4(30), 38-7. [In Persian]
- Waldron, A. (2014). China's 'Peaceful Rise' Enters Turbulence. *Orbis*, 58(2), 164-181.

- Walt, S. M. (1990). *The Origins of Alliances*, Cornell University Press.
- Waltz, K. (2010). *Theory of International Politics*. Waveland Press.
- Weaver, D. B. (2015). Tourism and the Chinese Dream: Framework for engagement. *Annals of Tourism Research*, 51(3), 54– 56.
- Wei, Z., & Zhang, Y. (2021). The Biden Administration's Indo-Pacific Strategy and China-US Strategic Competition. *China Quarterly of International Strategic Studies*, 7(02), 157-178.

